

## Unit 30 book 5

بار

یک بار مسئولیت جدی یا دشواری است.  
کودکانی که درست رفتار نمی کنند ، برای والدین خود باری سنگین است.

مصالحه کردن

مصالحه کردن یعنی موافقت با چیزی نیست که دقیقاً شما می خواهید.  
هر دو درمورد بازی که تصمیم گرفتیم انجام دهیم مصالحه کردیم.

بامهارت ساختن

ساخت کار دستی ساختن آن با استفاده از مهارت است. او کتابخانه را با مهارت از چوب جامد کاج ساخت و سپس آن را نقاشی کرد.

کلاهبردار

کلاهبردار کسی است که صادق نیست یا مرتکب جرم می شود.  
این مدیر به دلیل کلاهبرداری توسط پلیس دستگیر شد.

واحد پول

ارز نوعی پول است که در یک مکان خاص استفاده می شود.  
الیزابت مجبور بود دلارهای خود را با ارز خارجی مبادله کند.

معما

معما کسی یا چیزی است که اسرارآمیز است و یا درک آن سخت است.  
سرقت نقاشی ها برای محققان یک معما است.

شککننده

وقتی افراد یا اشیا شککننده باشند ، قوی نیستند و به راحتی آسیب می بینند.  
ظروف شیشه ای شککننده با دقت در جعبه ها بسته بندی می شدند.

ترکیبی

مرکب یعنی ترکیبی از چیزها یا سبک های مختلف است.  
در افسانه های یونان ، قنطورس ترکیبی از یک مرد و یک اسب است.

بی گناهی

بی گناهی عدم تجربه چیزهای دشوار یا پیچیده در زندگی است.  
هرکسی که با او ملاقات می کرد معصومیت او را جذاب می دانست.

ادغام

ادغام دو چیز به معنای ترکیب آنها در یک چیز کامل است.  
ابرهای طوفانی در یک ابر بزرگ آمیختند که آسمان را پر کرده است.

در حد متوسط

وقتی چیزی متوسط باشد ، از نظر اندازه یا مقدار خیلی بزرگ یا خیلی کوچک نیست.  
این کار حوصله متوسطی نیاز دارد که در طول روز در اطراف کودکان کوچک باشید.

غرق شدن

غرق شدن یعنی وجود مقدار زیادی از چیزی است که کسی نمی تواند به آن کنار بیاید.  
میزان تکالیفی که معلم او تعیین کرده است ، او را غرق کرده است.

ادراک

درک یک موقعیت ، نوعی تفکر در مورد آن یا درک آن است.  
از آنجا که او نمی توانست ببیند ، درک او از زندگی بسیار متفاوت از برداشت من بود.

تجدید دیدار

دیدار مجدد دیدار افراد یا چیزهایی است که از هم جدا شده اند.  
هر تابستان ما یک دیدار خانوادگی در دریاچه داریم.

دکل

تقلب در چیزی به معنای مرتب نکردن صادقانه آن است.  
سیاستمدار بد انتخابات تقلب کرد تا پیروز شود.

لرزیدن

لرز حرکتی تکان دهنده است که بدن هنگام سردبودن یا ترسیدن شخص ایجاد می کند.  
در راه بازگشت به خانه لرزیدم زیرا هوا بسیار سرد بود.

اجتماعی

وقتی کسی اجتماعی است ، دوستانه رفتار می کند.  
بسیاری از دوستان خوب من اجتماعی هستند ، اما من خجالتی هستم.

پرحرف

وقتی کسی پرحرف است ، زیاد حرف می زند.  
عمه من پشت تلفن بسیار پرحرف است.

یدک کشیدن

یدک کشیدن چیزی است که آن را بکشید.  
کامیون در حال یدک کشیدن تریلی پشت سر خود بود.

با صدا راه رفتن

زیر پا گذاشتن این است که هنگام راه رفتن پاهای خود را به روشی بلند و سنگین پایین بگذارید.  
کودک هنگام یادگیری راه رفتن ، کف زمین را لگدمال کرد.

پل دمون

گاو زن جوانی صبح که سطح آب متوسط بود از رودخانه عبور کرده بود. اما هنگامی که زن با سگ خود برگشت تا گاو را بدست آورد ، نمیتوانست ارتفاع آبی که بالا آمده بود هضم کند. حتی اگر او عبور می کرد ، او هنوز نمی توانست گاو خود را از طریق رودخانه عقب بکشد.

"من به دنبال انجام چه هستم؟" او شگفت زده شد.

ناگهان مردی در آن طرف رودخانه ظاهر شد. وی گفت: "یک خانم جوان شکننده مانند شما مجبور نیستید از کنار رودخانه

تقلا کنید." "من برای شما یک پل می سازم."

مرد خیلی عجیب بود. برداشت زن جوان از او این بود که او فردی خوش مشرب است. او پرحرف بود ، با این حال چیزی در مورد او عجیب بود.

زن پاسخ داد: "من نمی خواهم بار شما باشم ، آقا".

وقتی شروع به ساختن پل کرد ، به او گفت: "نگران نباش". او قطعات پل را با سرعت شگفت انگیزی در هم ادغام کرد. به زودی ، آن را به پایان رساند.

اوه ، اما چگونه می توانم هزینه کار شما را بپردازم؟ بیا بید سازش کنیم من اطمینان دارم که می توانیم یک راه حل عادلانه پیدا کنیم. شما چی فکر میکنید؟" زن پرسید.

مرد پاسخ داد: "تنها ارز مورد نیاز من اولین موجود زنده است که از روی پل عبور می کند."

او فکر کرد ، "این معامله عجیب به نظر می رسد. شاید او در واقع یک دیو رودخانه باشد." او لرزید زیرا فهمید که او از بی گناهی او سو استفاده کرده و به نوعی معامله را جعل کرده است. اما او برنامه ای از خودش داشت. او یک تکه نان از جیبش بیرون کشید و آن را از روی پل انداخت. سگش دنبالش دوید.

وی به مرد گفت: "سگ اولین موجود زنده آن طرف پل است."

مرد عصبانی بود. او ناگهان به ترکیبی از یک انسان و یک ماهی تبدیل شد. "شما کلاهبردار هستید!" او فریاد زد. "شما مرا فریب دادید. من هیچ سودی برای سگ شما ندارم!" جیغ کشید و به رودخانه فرو رفت.

زن از روی پل رد شد به آن طرف و با سگ و گاو خود دیدار مجدد خوشی داشت.